

بر ضد سنت بوو* مارسل پروست. ترجمه اسماعیل سعادت

۱۷۷ بر ضد سنت بوو [Contre Sainte-Beuve]. اثر مارسل پروست^۱، نویسنده فرانسوی، که پس از مرگ او انتشار یافت. اگر مارسل پروست امروز منتقدی بزرگ و یکی از استادان نقد جدید شناخته می‌شود، تا اندازه‌ای خلاف میل خود اوست؛ زیرا اثر انتقادی او در حاشیه یا برای تهیه مقدمات یگانه اثر حقیقی زندگی او، یعنی در جستجوی زمان از دست رفته، نوشته شده است. در حقیقت، بر ضد سنت بوو، مرجع عمومی هر چیزی است که به نظریات ادبی پروست ارتباط دارد، کتابی است با عنوان برساخته که می‌توان آن را طرح ساده‌ای از در جستجو و پیش‌نویسی دانست که البته خود پروست آن را کنار نهاده بود. این مجموعه متون نخستین بار در ۱۹۵۴، به اهتمام برنار دو فالوا^۲ در انتشارات گالیمار^۳، و در ۱۹۷۱، به اهتمام پیر کلاراک^۴ و دیدیه ساندر^۵ در مجموعه پلئید^۶، انتشار یافت. این طرح اثر، در حقیقت، آمیزه‌ای از رمان و تفکرات ادبی و ملغمه‌ای است که آن را در جستجو بازمی‌یابیم.

پروست در نامه‌ای که در ۱۹۰۸ برای لوریس^۷ می‌نویسد، در شکل انتخاب میان مقاله‌ای بلند، نوعی رساله و «گفتگوی بلندی با

مامان»، پس از برخاستن از خواب، مردد است. از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۲ بر سر آن کار کرد، که نقطه اوج در ۱۹۰۸ بود، پس از ۱۹۱۲ بر ضد سنت بوو را به طور قطع کنار نهاد و تمام وقت خود را فقط به نوشتن در جستجو اختصاص داد. سهم حسب حال خیالی در آن بسیار مهم است: در آن سخن از دوران کودکی نویسنده در کومبره^۸ است که در خاطره او بازسازی می شود، و نیز سخن از کرکویل^۹، در کنار دریا، (بلیک^{۱۰} آینده) است که راوی با مادربزرگ خود در آن اقامت داشته است. گفتگویی با مادرش رشته تصویرهایی با خود می آورد که از جهان گرمات^{۱۱}ها و محفل وردورن^{۱۲} و نیز موضوع عشق خبر می دهد.

پروست در «گفتگوی طولانی» با مادر خود به روش سنت بوو حمله می برد، که اثر را با نویسنده اثر یکی می گیرد و، برای این منظور، سعی می کند که «دور و بر خود را پراز همه گونه اطلاعات ممکن درباره نویسنده کند، نامه هایش را گرد آورد و درباره اش از کسانی که او را می شناخته اند کسب اطلاع کند». به عقیده او هیچ ارتباطی میان «هن درونی»، که پدید آورنده اثر است، و «هن بیرونی»، که جامعه می تواند آن را ببیند، وجود ندارد. پروست برای نشان دادن نمونه هایی در تأیید «اصل موضوع» خود، به نقد درخشانی درباره آثار بودلر^{۱۳}، نروال^{۱۴} و بالزاک می پردازد. و در برابر نقد سنتی، نقد هنر آفرینانی را پیش روی ما می گذارد که تنها نقدی است که از طریق قربت عمیق، اثر را «از درون» نشان می دهد. از این رو، در بودلر، به سبب مطابقتی که طبیعت او با طبیعت خودش دارد، به آمیزه خاصی از حساسیت و بی رحمی و نوعی بیماری اراده، علاقه مند است. در نروال، گویی انعکاسات آثار او را آشکار می کند: کودکی ژرار^{۱۵} (دو نروال) در والوا^{۱۶} خبر از کومبره می دهد و شاعر رمانتیک به نویسنده رمان جستجو سهم عمده تخیل در عشق را می آموزد. بالزاک نیز او را از ارزش واقعیت و هنر نفوذ در راز انسانها آگاه می کند.

در حقیقت چنانکه ب. دوفالوا می نویسد: «نقد تفریح عالمانه او نبود، بلکه دغدغه نخستین و همیشگی او بود. هر چند نویسنده سرانجام مجبور شد که آن را رها کند و به کار ساختن آثار زنده خود روی آورد، آن، او را رها نکرد [و هم چنان به راهنمایی کردن و آگاهانیدن و پروردن او ادامه داد]. جستجو در بسیاری از وجوه خود نشان می دهد که نویسنده دائم میان آثار دیگران و اثر در حال ساخته شدن خودش و موضوع و نتیجه آن در رفت و آمد بوده است.



شهر کبیر که در کتاب در جستجو... به بلک تبدیل شد.

چون تازگی روش پروستی مخصوصاً در این معنی است که نقد از اثر به نویسنده برود و از نویسنده به اثر، می توان به ارزش شبه اشاری موضع پروست برای بیشتر جریانات انتقادی ناشی از صورت گرایی (فورمالیسم) و ساخت گرایی (استروکتورالیسم) پی برد؛ این جریانات همه متوجه تلفی اثر هنری به عنوان سازمانی خاص و مستقل اند. بر شرح و بسط های انتقادی بر ضد سنت بوو باید، هم زمان با سعی او در ترجمه آثار جان راسکین^۷، مقدمه های مهمی را هم که با این ترجمه ها همراه است، افزود، مانند مقدمه کتاب مقدس آمین (۱۹۰۵) که به تحقیق در «زندگی روحانی نویسندگان» از طریق آثارشان ارج می نهد و از «تحسین مفرط راسکین»، که زیبا و حقیقی را یکی می داند، انتقاد می کند. علاقه مندی به یک اثر بزرگ نخست امکان می دهد که انسان

«از آن چه خود احساس می‌کند آگاه شود». پروست در مقدمهٔ کنجد و سوسنها^{۱۸} (۱۹۰۶) این بار در برابر خطرهای خواندن‌های بیش از حد هشدار می‌دهد؛ «زیرا ما نمی‌توانیم حقیقت خود را از هیچ کس دریافت کنیم». وانگهی پروست مقالات متعدد و درخشانی دربارهٔ گوته، ژول رنار^{۱۹}، جرج الیوت^{۲۰}، شاتوبریان نوشته است. بعضی از آنها که در تقلید و جُنْگها^{۲۱} (۱۹۱۹) گرد آمده است دربارهٔ ماجرای لوموان^{۲۲} - ماجرای پلیسی خیالی که به شیوهٔ بالزاک، فلوبر^{۲۳}، سنت بوو، سن سیمون^{۲۴}، برادران گونکور^{۲۵}، رنیه^{۲۶}، فاگه^{۲۷} و رنان^{۲۸} پرداخته شده است - امکان می‌دهد که نحوهٔ کار پروست را، که فریفتگی‌های ادبی خود را با تقلید رفع می‌کند، ارزیابی کنیم. رمان‌نویس با این مداوای سلامت بخش اعتراف می‌کند که منتقد سابقی است که می‌داند چگونه از خود بگذرد. به این ترتیب، این اثر موفق می‌شود که خود را به عنوان صدایی واحد و بی‌نظیر بشنواند. وقایع نامه‌ها^{۲۹} (که پس از مرگ پروست در ۱۹۲۷ انتشار یافت)، در عین حال، جامع هم متون روزگار جوانی نویسنده است و هم متون بعدی او. پروست در اثری به نام دربارهٔ بودلر^{۳۰} از سمبولیست‌ها فاصله می‌گیرد. دربارهٔ سبک فلوبر^{۳۱} بهترین مقالهٔ تحلیل ادبی اوست. پروست، بزرگ‌ترین رمان‌نویس عصر خود، با این آثار می‌تواند بزرگ‌ترین منتقد زمان خود نیز به شمار آید. ♦ ♦

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* مقاله بر ضد سنت بووا از فرهنگ آثار، ج ۱، به سرپرستی رضا سیدحسینی، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.

۱. Marcel Proust

۲. Bernard de Fallois

۳. Gallimard édition

۴. Pierre Clarac

۵. Dider Sandre

۶. Pléiade

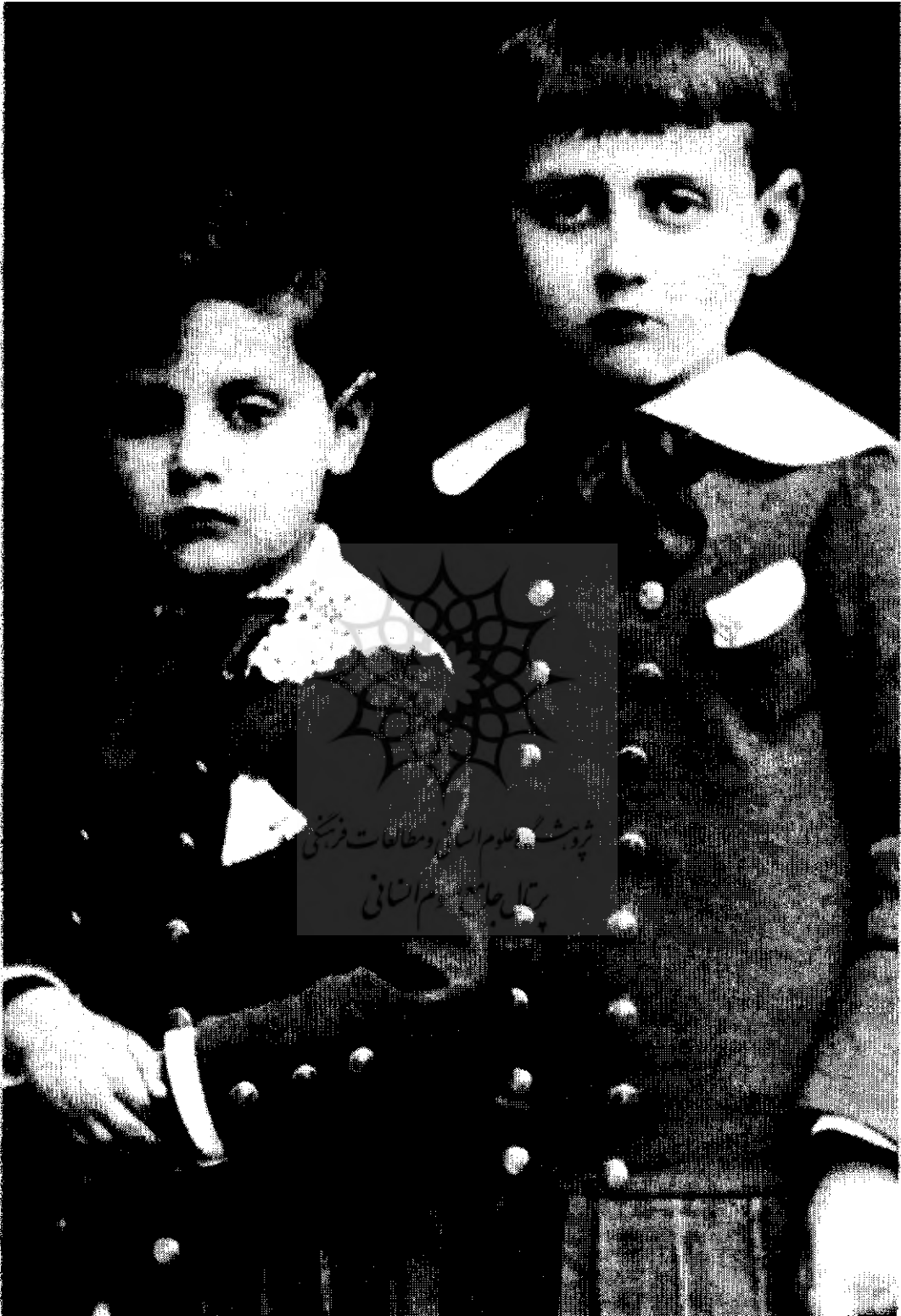
۷. G. de Lauris

۸. Combray

Querquville .۹
Balbec .۱۰
Guermantes .۱۱
Verdurin .۱۲
Baudelaire .۱۳
Nerval .۱۴
Gérard .۱۵
Valois .۱۶
Ruskin .۱۷
Sésame et les lys .۱۸
Jules Renard .۱۹
George Eliot .۲۰
Pastiches et Mélanges .۲۱
Lemoine .۲۲
Flaubert .۲۳
Saint Simon .۲۴
Goncourt .۲۵
Régnier .۲۶
Faguet .۲۷
Renan .۲۸
Chroniques .۲۹
propos de Baudelaire .۳۰
Propos du style de Flaubert .۳۱



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



پروست علم اسرار و معالجات فریبگی
پرتال جامع علم اشافی